

آقا مهدی با بت کارهای خوبت از تو ممنونم

حسن لطفی: قاعده کار این است وقتی مدیر یا رییس جدیدی وارد مجموعه‌ای میشود پیام‌های تبریک و دسته گل‌های گران‌قیمت (برای مدیران رده بالا) برایش ارسال میشود و تلفن‌هایی به او می‌زنند که خلاصه‌اش این است که تو بهترین انتخابی و... البته در دنیای سیاست این واکنشها کمی متفاوت است.

مدیری که از گروه رقیب است خوب و هم حزبی و هم پیالگی بد نمیشود. از آن طرف وقت رفتن انگار یادمان می‌آید مدیری که رفته است چه بدیهایی داشته است و مراسم تودיעی اگر برگزار میشود خیلی‌ها زیرگوش هم از بدیهایی او می‌گویند (در حالی که گرداننده جلسه از او تعریف می‌کند). البته در دنیای سیاست انگار این‌طور نیست. وقت رفتن هم مدیری هم‌رای و هم نظر یا راحت بگویم هم حزبی نیست که بد عمل کرده باشد (حتی اگر خلاف بزرگی مرتکب شده باشد و رفتنش با برکناری همراه باشد) در مورد تیم مخالف هم که رای معلوم است. مرغ یک پا دارد و نظر همان نظر روز انتخاب یا انتصاب او است. البته این قاعده استثنا هم دارد.

در قضاوت همیشه روی یک پاشنه نمی‌چرخد. گاهی آدم‌هایی پیدا میشوند که خلاف آن قاعده قضاوت می‌کنند (حتی در عالم سیاست) تبریک و تو خوبی گفتن‌هایشان می‌ماند برای روزی که طرف دارد می‌رود.

گمانم درست هم همین باشد. خیلی‌ها هستند که وقتی می‌آیند خوب به نظر می‌رسند اما وقت رفتن چنگی به دل نمی‌زنند. خلافتش هم هست عده‌ای هستند که زمان آمدن توی ذهنت فحش و بد و بیراه نثارشان می‌کنی اما وقت رفتن با خودت می‌گویی کاش می‌ماند و به کارهای خوبش ادامه میداد. اتفاقی که شاید برای بعضی‌ها در مورد مهدی آذرپندار رخ داده است. بعضی‌ها که خودم در لیستشان هستم. البته هیچ‌وقت به او فحش ندادم و بدوبیراه نگفتم. حتی وقتی درباره‌اش خواندم و جدال کلامی‌اش را با کیوان کثیریان شنیدم! بیشتر نگران شدم. چرا که در طول زندگی‌ام دانسته بودم سینمای جوان مکان ارزشمندی است که مدیری لایق، همه‌سونگر، مهربان، جوان‌دل، حامی و آشنا با هنر و رفاقت می‌خواهد.

راستش در زمان ورود مهدی آذرپندار فکر می‌کردم انتخاب بدی است. اما حالا که سکانداری را به کس دیگری واگذار کرده یا بهتر بگویم سکان سینمای جوان را از او گرفته‌اند خوشحالم که اشتباه می‌کردم. چرا که اگر نگرانی‌ام درست بود مجموعه‌ای با وسعت چند هزار نفری سینمای جوان دوران خیلی بدی را پشت سر می‌گذاشت و... البته در اینکه مهدی آذرپندار مخالفانی داشته و دارد (باشرفه‌اش و شجاعان در زمان تصدی او اظهار نظر کردن و ابن‌الوقتها لابد از زمانی که حکم بهروز شعبی را برای ریاست سینمای جوان زده‌اند یادشان افتاده او چه ضعف‌هایی داشته و...) هم شکی نیست.

درست هم همین است. هیچ مدیر و ریسی کامل نیست. نقد هم اگر حب و بغض نداشته باشد در سرپا کردن و بهبود دوران مدیریتش کمک می‌کند. به گمانم مهدی آذرپندار در کنار محاسن زیادش (حمایت از جریان فیلم کوتاه، دنبال کردن خواسته‌های غیر سیاسی فیلمسازان، تلاش برای ارتقای جایگاه فیلمسازان فیلم کوتاه، مدارا با مخالفان دیدگاهش و...) به شنیدن صدای مخالفانش توجه می‌کرد (حداقل در ظاهر)،

به خاطر همین‌ها دوست دارم به عنوان کسی که سینمای جوان همیشه خانه دوش بوده، بگویم آقا مهدی بابت کارهای خوبت از تو ممنونم.